

خسرو پرویز

و

جنگهای بیست و هفت ساله ایران و روم

نویسنده: بهرام داهیم

مقدمه

زبیده جهانگیری

داهیم، بهرام، ۱۳۳۹ -
خسرو پرویز و جنگهای بیست و هفت ساله ایران و روم / نویسنده
بهرام داهیم. -- تهران : راستی نو، ۱۳۸۳.
۶۲۶ ص.

ISBN: 964-5611-87-3

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. خسرو پرویز ساسانی، شاه ایران، - ۶۲۸ م. -- داستان . ۲.
ایران -- تاریخ -- ساسانیان -- ۲۲۶ - ۶۵۱ م. ۳. خسرو پرویز
ساسانی، شاه ایران، - ۶۲۸ م. -- جنگها، الف. عنوان.
خ ۵۲ / ۴۸۵ DSR ۹۵۵ / ۰۳۸۱
۱۳۸۳

۴۰۰۶۸-۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات راستی نو

خسرو پرویز و جنگهای بیست و هفت ساله ایران و روم

نوشته : بهرام داهیم

چاپ اول ۱۳۸۳

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

چاپ الوان

تلفن پخش : ۲۰۶۷۹۸۰

شابک : ۹۶۴-۵۶۱۱-۸۷-۳

فهرست

صفحه	عنوان
نه	مقدمه
۱	فصل اول: در دشت بردعه
۹	فصل دوم: گلگشت شیرین
۱۹	فصل سوم: بهرام چوبین
۲۳	فصل چهارم: بهرام در تیفون
۲۷	فصل پنجم: ازدواج خسرو با دختر قیصر و بازگشت مجدد به ایران
۳۵	فصل ششم: شیرین و تصویر خسرو
۴۹	فصل هفتم: دختری که ربوده شد
۶۵	فصل هشتم: مریم و شیرین
۷۵	فصل نهم: مریم و خسرو
۸۱	فصل دهم: توطئه مریم
۸۷	فصل یازدهم: اعلان جنگ
۹۷	فصل دوازدهم: جنگ خسرو و فرهاد
۱۰۳	فصل سیزدهم: مسافری که از راه رسید
۱۰۹	فصل چهاردهم: مذاکره صلح
۱۱۷	فصل پانزدهم: پاسخ شیرین
۱۲۳	فصل شانزدهم: مهین بانو
۱۳۱	فصل هفدهم: فرهاد مأمور شکافتن بیستون شد

صفحه	عنوان
۱۳۹	فصل هجدهم: فرهاد در بیستون
۱۴۵	فصل نوزدهم: آغاز جنگ با روم
۱۵۵	فصل بیستم: «سنگاران» گشوده شد
۱۶۳	فصل بیست و یکم: پایان کار فرهاد
۱۶۷	فصل بیست و دوم: عروسی
۱۷۵	فصل بیست و سوم: در پشت دیوارهای «دارا»
۱۹۳	فصل بیست و چهارم: فوکاس بدست و پا افتاده
۲۰۱	فصل بیست و پنجم: حمله روم درهم شکست
۲۰۷	فصل بیست و ششم: جنگ رود ارس
۲۲۳	فصل بیست و هفتم: جنگ خونین در شهر «آمد»
۲۴۷	فصل بیست و هشتم: «اُپس» زود درهم شکست
۲۵۷	فصل بیست و نهم: کاره (حران) هم تسخیر شد
۲۷۱	فصل سی ام: تصرف دو شهر «ساتالا» و «تودوسپولیس»
۲۸۳	فصل سی و یکم: در قیصریه مازاکا
۳۰۹	فصل سی و دوم: سقوط آخرین ایالت آسیای صغیر «بی تی نی»
۳۴۱	فصل سی و سوم: در دمشق و اورشلیم چه گذشت؟
۳۶۱	فصل سی و چهارم: اسکندریه بار دیگر به تصرف ایرانیان درآمد
۳۷۳	فصل سی و پنجم: «کالسدون» هم به زانو درآمد
۳۹۹	فصل سی و ششم: هراکلیوس تصمیم به جنگ گرفت
۴۲۱	فصل سی و هفتم: شکست خسرو پرویز در «گنزرک»
۴۳۵	فصل سی و هشتم: خسرو پرویز خواست پیشدستی کند اما...
۴۵۹	فصل سی و نهم: هراکلیوس «آمد» را پس گرفت
۴۷۵	فصل چهلم: پیکار در ساحل «ساراس»
۴۸۵	فصل چهل و یکم: ایرانیان تا قسطنطنیه پیش رفتند
۵۰۱	فصل چهل و دوم: آخرین جنگ تنودور و شاهین

۵۳۵	فصل چهل و سوم: شکست هراکلیوس در تفلیس
۵۵۱	فصل چهل و چهارم: هراکلیوس به دستگردد حمله کرد
۵۶۷	فصل چهل و پنجم: مرگ دلیرانه یک سردار
۵۹۳	فصل چهل و ششم: پیامبر اسلام (ص) خسرو پرویز را به دین اسلام دعوت کرد
۶۱۵	فصل چهل و هفتم: سرانجام خسرو پرویز

زمانه هیچ نبخشد که باز نستاند

مجو ز سفلہ مرؤت کہ شیشہ لاشیہ

حافظ

آخرین «خسرو» با شکوه عهد باستان

نام خسرو دوم، معروف به خسرو پرویز (۶۲۸ - ۵۹۰)، به عنوان فرمانروایی که به قول «آرتور کریستن سن» آخرین سلطنت بزرگ ایران باستان را ارائه می‌دهد، و نیز یکی از باشکوه‌ترین و ثروتمندترین پادشاهان عهد خود (و شاید قرن‌ها بعد نیز) به شمار می‌رود، و در آخر، از آن روی که پادشاهی عشرت طلب، شادخوار، عاشق پیشه و هنردوست خوانده شده، در تاریخ رسمی و ادبیات ملی ایران (و آثار مورخین و نویسندگان اسلامی)، نام پرآوازه‌ای است، آنچنانکه امروز هم، بعد از چهارده قرن، هنوز می‌توان دوران زندگی او را به عنوان نمونه شاخص و بی‌نظیر پادشاهان شرقی، که در افسانه‌های ایران و جهان فراوان از آنها یاد شده، در نظر آورد و درباره آن حکایت‌ها کرد.

خسرو دوم، پسر هرمز چهارم و نوه خسرو اول (انوشیروان) که در سال ۵۹۰ میلادی در تیسفون تاج بر سر نهاد، در تاریخ ساسانیان جایگاه ویژه‌ای دارد، چرا که دولت ساسانی را به درجه‌ای از وسعت و اقتدار و اعتبار رساند که پیش از وی بی‌سابقه بود. اما بهایی هم که او و مردم ایران، برای ایجاد این امپراطوری عظیم و پهناور، پرداختند بسیار گران تمام شد. او که در آغاز سلطنت، با شورش سپهسالار «بهرام چوبین» مواجه گشته و به روم گریخته بود و در بازگشت به تیسفون (۵۹۱)، به دشواری بر اوضاع مسلط شده بود، در مدتی کوتاه، توانست موقعیت خود را تثبیت کند، اما برای حفظ این موقعیت و تحکیم آن، به سیاست‌هایی متوسل شد که هر چند به ظاهر موفقیت‌آمیز می‌نمود، در نهایت جز فاجعه به بار نیاورد.

در واقع، روش این پادشاه، در اداره امور مملکت، در داخل قلع و قمع نیروهای خودی و در خارج، جنگ و فقط جنگ بود. جنگ‌های مداوم و بی‌پایانی که به رغم پیروزی‌های درخشان مرحله نخست، و فتوحات برقی آسا و بزرگ مرحله بعد، در بلندمدت، جز فرسایش و نابودی نیروهای انسانی و ویرانی و زوال بنیان‌های اقتصادی کشور حاصلی دربر نداشت.

هر چند در حکومت فرمانروایان خودکامه، در طول تاریخ، نفوس انسانی حتی به اندازه چهارپایان هم ارزش نداشته‌اند، بنابراین، تلفاتشان فاقد اهمیت می‌نموده، اما بی‌تردید و بال این سیاست غلط و زیانبار - که هزاران هزار تن از جوانان این سرزمین را، طی سالیان دراز جنگ در اراضی غیر، به خاک و خون کشاند و پشت توده‌های محروم و فقیر ایرانی را در زیر بار مالیات‌های سنگین خم کرد - نباید گریبان واضعش را رها می‌کرد - چنانکه نکرد - و سرانجام آن فرمانروای بی‌تدبیر و دیراندیش را در لابلای چرخ‌های خود خرد ساخت و در مدتی کمتر از یک‌ربع قرن پس از او، به عمر دولت چهارصد ساله ساسانی پایان داد.^۱

باری، در کتابهای تاریخ، در مورد خسرو پرویز، روایت بسیار است.

خسرو، در عصر خود، به پرویز (پرویز) به معنی فاتح، پیروز، مظفر ملقب شده که بی‌شک این لقب را به جهت پیروزی‌های درخشان و فتوحات خیره‌کننده سردارانش کسب کرده است، چرا که خود او در هیچیک از جبهه‌های نبرد حضور نداشته و اگر احیاناً در جایی هم ردپایی از وی مشاهده می‌شود، برای گریز از نبرد و فرجام شوم آنست و نه شرکت در جنگها و فتوحاتی که بر پیشانی عهد او رقم خورده است.

مورخین او را مردی با شهامت، متکبر و مغرور، جاه‌طلب، خودخواه، مستبد، کین‌توز و بسیار آزمند، هوسباز و... خوانده‌اند. با مطالعه زندگی این پادشاه و بررسی وقایع دوران، به نظر نمی‌رسد در این مورد مبالغه کرده باشند. البته اینکه مردی با شهامت بوده باشد، تردید‌آمیز می‌نماید. زیرا در جنگ با «بهرام چوبین» - سردار دلاور و نژاده ایرانی - و بعد، فرارش به روم، و مهمتر (و پیشتر) از این، در برخورد با نقشه قتل پدرش هرمز (که کورش کرده بودند و زندانی)، نشانه‌ای از دلیری و شهامت در وی مشهود نیست.

خسرو پرویز بسیار متکبر و مغرور و جاه‌طلب بوده است، چون حتی در زمانی که وسعت

۱. دولت ساسانی توسط اردشیر بابکان در سال ۲۲۶ میلادی بنیان گرفت و با قتل بزدگرد سوم در ۶۵۱ میلادی منقرض گردید. عمر این دولت ۴۲۵ سال بود.

امپراطوری او از غرب تا مصر، و از شرق تا قسمتی از سرزمین هند رسیده بود، علی رغم تقاضاهای مکرر «هراکلیوس» که می‌خواست با ایران قرارداد صلح امضاء کند، و طبعاً حاضر بود شرایط طرف دیگر را (البته تا جایی که حیثیت خود و منافع و طش به مخاطره نیافتد) بپذیرد، نه تنها به جنگ بیست ساله با روم پایان نداد که حتی سفیر او را دستگیر و زندانی ساخت که چرا امپراطورش را در غل و زنجیر به خدمت شاهنشاه ایران و انیران نیاورده است! و البته دیری نگذشت که خسرو پاسخ خود را دریافت کرد.

سیاست سرکوب خونین مخالفان و مدعیان آینده، که از آغاز بازگشت به تخت سلطنت در پیش گرفت، از او تصویر پادشاهی مستبد و بی‌رحم را ارائه می‌کند که البته از این لحاظ بی‌مانند نیست. در مورد کین توزی و بی‌رحمی او ابو منصور ثعالبی در «غرر اخبار ملوک الفرس»^۱ حکایت جالب و تکان دهنده‌ای دارد که «کریستن سن» نیز آنرا در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» آورده است. او (ثعالبی) می‌نویسد:

خسرو را گفتند، که فلان حکمران را به درگاه خواندیم و تعلل و وزید. پادشاه توقع فرمود که: «اگر برای او دشوار است که به تمام بدن نزد ما آید، ما بجزی از تن او اکتفا می‌کنیم، تا کار سفر بر او آسانتر شود. بگوئید سر او را به درگاه ما بفرستند!»^۲

در مورد جلال و شکوه بارگاهش، تاج زرین شصت کیلویی مزین به گوهرهای نایاب او که با زنجیرهای طلا از سقف آویزان بوده و شاهنشاه ساسانی سرش را زیر آن قرار می‌داده، تخت طاقدیس که وصفش را همه شنیده‌اند و از عجایب دربار خسرو پرویز بوده، گنج‌های افسانه‌ای پر از انواع جواهرات بی‌نظیر و پربهایش و ثروت بی‌حسابی که شامل املاک وسیع و قصرهای بی‌شمار با فرش‌های بافته شده از ابریشم و مزین به یاقوت و مروارید و گوهرهای درخشان و نفایس دیگر بوده، خیل اسبهای نژاده او و... و... سخن بسیار است و در اشاره به همین جلال و شوکت بی‌بدیل خسروی است که حکیم طوس می‌فرماید:

کنون از بزرگی خسرو سخن	بگویم، کنم تازه روز کهن
بسر آن سان بزرگی کس اندر جهان	ندارد بیاد از کهنان و مهان
ز توران و ز هند و ز چین و روم	ز هر کشوری کان بُد آباد بوم

۱. «غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم»، ص ۶۸۹، ناشر: مکتب‌الاسدی، طهران - ۱۹۶۳.

۲. «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه رشید یاسمی، ص ۴۷۳، چاپ دوم، ناشر: ابن سینا، ۱۳۳۲.

به رخشنده روز و شان سیاه
 ز درّ و ز یاقوت و هر گوهری
 چسبو خسرو اندر زمانه نبود
 ز چین و ز برطاس و ز روم و روس
 که بالاش یک تیر پرتاب بود
 همان تازیان نامور بخردان
 شمشارش بکردند و درماندند
 تو گویی همه «دیه خسروی»
 که کس را نبود به خشکی و آب
 کزان گنج بُد کشور افروخته
 که گویند رامشگران سترگ
 به زر اندرون رشته ها تافته
 که هرگز نگشتی باواز بد
 کنیزک به کردار خرم بهار
 که گفتی از آن در زمین جای نیست
 که بر زین زرین بُدی سال و ماه
 دو صد بارگی کان نبَد در شمار^۲

همی باز بردند نزدیک شاه
 غلام و پرستنده از هر دری
 ز دینار و گنجش کرانه نبود
 نخستین که بنهاد «گنج عروس»
 دگر گنج پر درّ خوشاب بود
 که «خضرا» نهادند نامش ردان
 دگر گنج «باد آور»ش خواندند
 دگر آنک نامش همی بشنوی
 دگر نامور «گنج افراسیاب»
 دگر گنج کش خواندی «سوخته»
 دگر آنک بد «شادورده» بزرگ
 به زر سرخ گوهر بر و بافته
 ز رامشگران سرکش و بسارید
 به مشکوی زرین ده و دو هزار
 دگر پیل بُد دو هزار و دویست
 فغانستان^۱ چینی و پیل و سپاه
 دگر اسب جنگی ده و شش هزار

دگر اسب شسبذیز کسر تاختن
 چو شیرین بُد اندر شبتان اوی
 و اما داستان عشق خسرو و شیرین، که در طول زمان اینهمه توجه شاعران و هنرمندان را به
 خود جلب کرده و موجب آثار ادبی و هنری بسیار شده، بطور یقین زاینده تخیل و احساس

۱. فغانستان (به فتح یا ضم فا و کسر غین) بتخانه، بتکده، بغانستان، به معنی مشکو و حرمر را نیز گفته شده
 «فرهنگ عمید».

۲. شاهنامه فردوسی، جلد نهم، ص ۲۳۵ تا ۲۳۷، چاپ مسکو ۱۹۷۱.

۳. شاهنامه فردوسی، جلد نهم، ذیل ص ۲۸۹۳، بروخیم، چاپ تهران - ۱۳۱۴.

شاعرانه بزرگانگی که در این زمینه داد سخن داده‌اند نیست.^۱ داستان ریشه در واقعیت دارد و خسرو به راستی این زن را دوست می‌داشته و دلیلش نیز آنکه پس از دلستن به شیرین، همسرش «مریم» - دختر امپراطور روم - را یکسره به حال خود رها می‌کند^۲ و شیرین، به عنوان شهبانو، در دربار او از مقام و مرتبه رسمی برخوردار می‌شود. مقام و مرتبه‌ای که ظاهراً، چندان هم، تشریفاتی نبوده و این بانو در مواردی می‌توانسته در امور مملکت هم مداخله نماید. از جمله آورده‌اند که در عزل و نصب رجال صاحب جاه، گاه، بطور مستقل نیز عمل می‌کرده است.^۳ باری، اگر عشق خسرو به شیرین حقیقت داشته، این هم حقیقت دارد که پریچگان بی‌شمار - از هر نژاد و قوم - دیگری هم بوده‌اند که توجه این پادشاه را جلب می‌کرده‌اند و اینکه طبری می‌گوید که خسرو، سه هزار زن و دختر در حرم خود داشته - و این بجز انبوه دختران خدمتکار و نوازنده و خواننده‌ای بوده است که بطور دائم در حرمسرای او بسر می‌برده‌اند و شاید منظور فردوسی هم از دوازده هزار کنیزک حاضر در حرم همین جماعت باشد - معرف مزاج متلون و طبع هوسباز اوست. براستی عجایب دوران خسرو پرویز و بارگاهش بیش از آنست که در این محضر بتوان درباره آن سخن گفت و علاقمندان می‌توانند به کتابهای تاریخ که به تفصیل در این زمینه نوشته‌اند، مراجعه کنند.

باری، زندگی خسرو پرویز و وقایع دوران پادشاهی او و به ویژه جنگ‌های بیست و هفت ساله‌اش با امپراطوری روم یکی از فصل‌های مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ ایران باستان است که

۱. معروفترین منظومه عاشقانه در ادبیات فارسی «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی است که در نیمه دوم قرن ششم هجری سروده شده است.

۲. داستان خسرو و شیرین از داستانهای معروف پیش از اسلام ایران بوده و در شاهنامه فردوسی و المحاسن و الاضداد جاحظ و غرر اخبار ثعالبی به آن اشارت رفته است... و ظاهراً نظامی / گنجوی / برای نخستین بار روایتیهای آن را گرد آورده و بدان لباس نظم پوشیده است... پس از نظامی، بسیاری شاعران - مثل امیرخسرو دهلوی، هانفی و جامی - از سبک و حتی موضوع و جزئیات آن تقلید کرده‌اند، اما هیچیک درین راه بر نظامی برتری نیافتند. تلخیص از: دائرةالمعارف فارسی مصاحب، - جلد اول، خسرو و شیرین، ص ۸۹۸.

۳. در مورد فرجام کار این زن روایات ضد و نقیض است. یک روایت آنست که در کتاب حاضر آمده و مریم را زنی حسود، کین‌توز و انتقام‌جو معرفی می‌کند و دیگر آنکه شیرین را حسود، حيله‌گر و مرموز جلوه می‌دهد. این روایت می‌گوید خسرو علی‌رغم عشقی که به شیرین داشته:

همو بر شبنانش مسهرت بدی
همیشه زرشکش دو رخساره زرد
شد آن نامور دخت فیصرت‌زاد

همه روز با دخت فیصرت بدی
ز مریم همی بود شیرین به درد
به فرجام شیرین ورا زهر داد

از دیرباز مورد توجه مورخین، محققین تاریخ، نویسندگان و غیر آنها بوده و هست، چرا که تنها با مطالعه دقیق در اوضاع و احوال آخرین فرمانروایان سلسله ساسانی و به ویژه خسرو پرویز است که می‌توان به شناخت درستی از آن دوران رسید و به کمک آن، کلید رمز هزارتوی ماجراهایی را که بعدها، بر این ملک و ملت گذشت، به دست آورد.

کتاب «خسرو پرویز» یا «جنگ‌های بیست و هفت ساله ایران و روم» که هم اکنون در برابر شما قرار دارد و آقای «بهرام داهیم» نویسنده جوان و باذوق آنرا به رشته تحریر درآورده، بر آنست که در این زمینه سخن بگوید و تاریخ را به صورت داستان تاریخی به دوستداران آن ارائه دهد، بی آنکه ادعا داشته باشد قدم به قدم با تاریخ پیش رفته و یا همه وقایع براساس مدارک و مستندات تاریخی ارائه شده است.

به عقیده آقای داهیم نویسنده‌ای که قوه ابتکار دارد، با استفاده از منابع تاریخی، آثار ارزشمند ادبی و نیز نوشته‌های افسانه‌مانندی که سینه به سینه، از قرن‌ها پیش، از اجدادمان به ما به ارث رسیده، و همچنین با نیروی تخیل خویش، می‌تواند اثری جالب و خواندنی پدید آورد که زلال آن، عطش روح خواننده را فرو نشاند و حلاوت آن، کامش را شیرین سازد.

در اینجا، نویسنده، طی چند فصل کوتاه، با نگاهی گذرا به دربار خسرو پرویز و خارج آن، گوشه‌هایی از زندگی این فرمانروا را نشان می‌دهد و آنگاه به اصل داستان، که شرح جنگ‌های طولانی ایران و روم است می‌پردازد و در آخر، فرجام کار این پادشاه ساسانی را نشان می‌دهد، که قابل توصیف نیست و باید داستان را خواند و درباره آن قضاوت کرد.

در آخر، هر چند سخن به درازا کشید، لازم به یادآوری است که این نخستین اثر آقای «بهرام داهیم» است که به همت انتشارات «گلریز» و مدیر آن، آقای «مصطفی سعادت» به زیر چاپ می‌رود که برای هر دو، آرزوی موفقیت داریم.

زبیده جهانگیری «شبنم»

تهران ۱۳۷۱/۱۲/۱